

پایان شرارت های گرگ پایتخت

شور سابقه دار که به اتهام ربودن، تهدید با چاقو و آزار و اذیت دختری جوان بازداشت شده مدعی شد به خاطر توهم ناشی از مصرف مواد و مشروبات الکلی قربانی را با دختر دیگری که در گذشته عاشقش بوده اشتباه گرفته است.

این مرد شور 19 سابقه شرارت و بازداشت دارد و مدعی است که از 11 سالگی به اتهام جرایم مختلف دستگیر شده است.

صبح دیروز سردار کارآگاه «علی ولیپور گودرزی» رئیس پلیس آگاهی پایتخت در تشریح این پرونده گفت: اواخر اسفند سال گذشته در پی وقوع یک فقره تجاوز به دختری 21 ساله در شمال تهران رسیدگی به این پرونده در دستورکار تیمزبده از کارآگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

کارآگاهان در تحقیق از شاکی دریافتند وی ساعت 6 صبح به قصد عزیمت به محل کار از منزل خارج شده اما در مسیر مردی موتورسوار به وی نزدیک شده و اقدام به تهدید او با سلاح سرد کرده است؛ زن جوان ابتدا تصور می‌کرده که این فرد قصد سرقت طلاهایش را دارد اما در ادامه متهم با تهدید چاقو او را به مکانی خلوت کشانده و با ضرب و جرح وی را مورد اذیت و آزار قرار داده است.

با توجه به حساسیت ماجرا تحقیقات ویژه آغاز و سرانجام مخفیگاه متهم در محدوده خیابان سبلان شناسایی شد و در یک عملیات غافلگیرانه و ضربتی وی را دستگیر کردند و به اداره شانزدهم انتقال دادند. متهم در بازجویی اولیه منکر حقایق می‌شد، اما در ادامه با دعوت از شاکی و شناسایی متهم توسط وی، متهم به جرم خود اعتراف کرد.

بررسی سوابق وی نشان داد دارای 19 فقره سابقه کیفری از قبیل سرقت، موادمخدر و... است که با صدور قرار بازداشت موقت از سوی شعبه سیزدهم دادگاه کیفری تهران، برای تحقیقات تکمیلی و شناسایی سایر شاکی‌ها در اختیار کارآگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

گفت‌وگو با متهم

سمت راست صورتش رد چاقو دیده می‌شود، قدی متوسط و چهره‌ای گندمگون دارد. این مشخصات مردی است که به اتهام آزار و اذیت دختری جوان بازداشت شده است. خودش می‌گوید دوستانش به او می‌گویند اردلان گرگی

چون ته چهره صورتش شبیه گرگ است. متهم در حالی که گریه می‌کرد و از کار خود پشیمان بود، گفت: 19 بار به خاطر مواد مخدر بازداشت شده‌ام و 9 بار به زندان رفته‌ام. اما به خاطر این جرایم، کمتر از دو سال حبس کشیده‌ام.

اولین بار کی بازداشت شدی؟

11 سالم بود که به خاطر مصرف مواد مخدر بازداشت شدم. در خانه‌ای که مواد می‌کشیدم، پلیس وارد شد و مرا به کانون اصلاح و تربیت انداختند. برادر بزرگترم، اعتیاد به مواد داشت. من هم یواشکی از موادش می‌دزدیم و مصرف می‌کردم. این‌طور شد که با مواد مخدر از نوع شیشه آشنا شدم.

اما سابقه سرقت و آدم ربایی هم در پرونده ات است؟

سرت که اشتباه بود، یک موتور خریده بودم که سرقتی از آب درآمد مرا به اشتباه بازداشت کردند. آدم ربایی هم نبوده، شروع به آدم ربایی بوده است. چند سال قبل با دختری آشنا شدم و زمانی که فهمیدم به من خیانت کرده، تصمیم به جدایی گرفتم. اما او از من شکایت کرد و به خاطر اینکه سوار موتورم شده بود اتهام آدم ربایی به من زدند. اما با توجه به اینکه با هم در رابطه بودیم، اتهام به رابطه نامشروع تبدیل شد و 100 ضربه شلاق خوردم.

چرا به این دختر تجاوز کردی؟

تجاوز نکردم. ساعت 6:04 صبح با موتورم در خیابان دارآباد در حال پرسه زدن بودم که این دختر را دیدم. ابتدا به سمتش رفتم و خواستم سوار موتورم شود، او هم ترسید و به طرف پیرمردی رفت که در حال عبور از خیابان بود. به پیرمرد گفتم قضیه ناموسی است دخالت نکن. او هم دخالتی نکرد. بعد با تهدید او را سوار موتورسیکلم کرده و به پارکی در همان حوالی بردم. می‌خواستم به او تجاوز کنم که دختر جوان خیلی التماس کرد که او را رها کنم و حتی گفت حاضر است که طلا و سکه به من بدهد. اما من نگرفتم، بعد هم او را دوباره سوار موتورم کردم و به محل کارش رساندم. سه شب بود که نخوابیده بودم. شب قبل هم مشروب و شیشه و قرص را با هم مصرف کرده بودم و اصلاً متوجه نمی‌شدم چه کار می‌کنم. به عنوان پیک موتوری اینترنتی کار می‌کردم و پرسه می‌زدم که سفارشی را دریافت کنم که با سوژه مواجه شدم. بعداً که دستگیر شدم متوجه شدم او کارمند یک شرکت خصوصی بوده و برای رفتن به محل کارش در حال عبور از خیابان بوده است. آن روز هر کسی را که می‌دیدم قیافه دختری به نظرم می‌آمد که او را دوست داشتم و عاشقش بودم.

چرا با دختری که دوست داشتی ازدواج نکردی؟

به من خیانت کرد اما این خیانت هم باعث نشد که او را فراموش کنم.

تحصیلات چقدر است؟

به خاطر مشکلات خانوادگی و مواد تا دیپلم بیشتر ادامه تحصیل ندادم.

مشکلات خانوادگی ات چه بود؟

4 سالم که بود پدر و مادرم از هم جدا شدند و من گاهی نزد مادرم بودم و گاهی نزد پدرم. خانواده‌ای نداشتم که بخواهم راه درست را طی کنم. پرده فروشی داشتم اما مغازه‌ام سوخت.

فکر می‌کردی بازداشت شوی؟

زمانی که این کار را انجام دادم حال خوبی نداشتم و بعد هم توبه کردم. حاضرم توبه نامه‌ام را هم بنویسم.

بعد از ماجرای آزار و اذیت دختر جوان چه کار کردی؟

در پیک موتوری کار می‌کردم. در این مدت با دختری نامزد کردم که او از من خواست مواد را ترک کنم و به خاطرش به کمپ ترک اعتیاد رفتم.

برای دختران و زنان جوان توصیه‌ای داری که به دام افرادی مثل تو گرفتار نشوند؟

مشکل آنها نیستند، مشکل افرادی مثل من هستند و فکر نمی‌کنم بتوانند کاری کنند.

صحنه آزار و اذیت را هم بازسازی کرده‌ای؟

دو روز قبل بود که در مقابل کارآگاهان اداره شانزدهم و بازپرس پرونده به بازسازی صحنه پرداختم.

***مرضیه هما یونی**